

# نور و ظلمت

## ویراست اول

### مقدمه:

نزدیکی عید اهل بیت و غدیر ما را بر آن داشت تا نکاتی چند در دو اصل خطیر ولایت و برائت بیان کنیم. تا حدود و بایسته های آن به وضوح روشن شود و چراغ راه محبان راستین اهل بیت عصمت و طهارت باشد.

در این نوشتار سعی داریم مشخصه هایی را رعایت کنیم؛ از جمله:

۱- دسته بندی های روشن

۲- اختصار و رسایی متن

۳- شمول بر تمامی مطالب

در اینجا فقط منظومه ای از عقاید خود را بیان می داریم تا خوانندگان محترم با مدعیات ما آشنا شوند و در صورت علاقه مندی در مدارک و دلایل آن پژوهش به عمل آورند.

البته به قدر مجال این گفتار سعی می شود مباحث آسیب شناسانه و مناسب با شرایط خطیر کنونی ارائه گردد. که امیدواریم مورد رضایت خوانندگان محترم قرار گیرد.

## بخش اول : ولایت

ولایت در ساحت های مختلف وجود انسان معنا می یابد که به ترتیب به هر یک از آنها و لوازم بنیاد ولایت در آن می پردازیم:

۱- باور

۲- عاطفه

۳- عملکرد

۴- گفتار

## فصل اول : اهل بیت در باور شیعه

### (۱) حقانیت

شیعه در نظام اعتقادی و فکری خود ، رسول خدا و اهل بیت طاهرینش را عین حق و حقیقت می داند و لاجرم در مقابل ، دشمنان ایشان باطل می باشند. این بدان معناست که نه تنها اهل بیت عصمت در تمامی شئون خود باحق اند بلکه حق هم با ایشان هماهنگ می شود. بنابراین هرچه از ایشان صادر شود جز راستی و درستی نخواهد بود.



## عصمت (۱/۱)

عصمت الهی و نگاهداشتِ خداییِ این شجره طیبه ، موارد ذیل را از ایشان نفی می کند :

- ۱- کفر و شرک
- ۲- گناه و ظلم
- ۳- عقیده فاسد
- ۴- گفتار ناصواب
- ۵- اخلاق رذیله
- ۶- فعل مکروه و به هر نحو خطا
- ۷- تدبیر غلط و ضعیف
- ۸- ترک اولی که انجام آن بهتر است و امر ارشادی به آن تعلق گرفته
- ۹- خیال ، آرزو ، تمایل و نیت فاسد
- ۱۰- وساوس و خواطر شیطانی
- ۱۱- فراموشی و حواس پرتی
- ۱۲- آسیب غیر موجه اگر چه حاصل از عمل درست باشد.
- ۱۳- سبب آفرینی و زمینه سازی که ناخود آگاه به انحراف یا فساد منجر شود.
- ۱۴- عمل بر اساس خواست و سلیقه شخصی.
- ۱۵- هرگونه امر لغو و بیهوده که غرضی متعالی در آن نیست.

### عصمت پیامبر (۱/۱/۱)

عصمت پیامبر تحت عناوین ذیل و نه به آن وسعت که بیان شد مورد پذیرش تمامی مذاهب اسلامی قرار گرفته و پایه اعتبار آموزه های اسلام است :

اول : در موضوع تلقی وحی ؛ یعنی قلب پیغمبر باید طوری باشد که در حال نزول وحی خطا نکند و وحی را همانطور که وارد است به خود بگیرد.

دوم : در موضوع تبلیغ و رساندن وحی است؛ یعنی پیغمبر همانطور که وحی را گرفته است همانطور باید برساند.

البته عده ای از غیر شیعه که به قول ایشان اعتبار نیست پیامبر را در همین حد هم بی خطا نمی دانند و از اینکه شیطان آیاتی را بر زبان ایشان آورد و بعد جبرئیل تذکر داد و اصلاح نمود حدیث می کنند و یا در همه موارد ، وحی و امر ایشان را معصوم نمی دانند بلکه تنها در دریافت و ابلاغ آیات قرآن معصوم می شمردند.

### عصمت در همه ابعاد (۱/۱/۲)

پیامبر گرامی و خاندان پاکش در ابعاد مختلف وجودی معصومند . یعنی :

- با اعضاء و جوارح گناه و ظلم یا امر لغوی مرتکب نشده اند .
- گفتارشان از کذب و باطل و مضر و بی فایده مصون است .
- از هر گونه روحيات و اخلاق رذيله يا کم أرج مبراً می باشند .
- در اندیشه نیز هیچ گونه خطای علمی یا خیال فساد یا فکر بیهوده ندارند .



• تذکر :

ممکن است گفته شود که این عصمت با اختیار ایشان منافات دارد و در ترک خلاف مجبورند . و اگر چنین باشد عصمت ایشان ارزشی برای آنها محسوب نمی شود .

در پاسخ می گوییم :

اولاً : اینکه یک شخص بر اساس کمال عقل و خالی بودن از اخلاق و اغراض پست ، اختیارش پاک و مطابق امر خدا است ، به این معنا نیست که اصلاً اختیار ندارد و مجبور می باشد.

دوماً : اهل بیت با تمام ویژگی هایی که خودشان کسب کرده اند پیش از خلقت در علم خداوند حاضر بودند و او به واسطه لیاقت خودشان آنها را بر این مقامات برگزید تا حجتی بر عالمیان باشند.

سوم : این از فضل و کرم خدا نسبت به ایشان بوده و هیچ انسان موحّدی هر چند توان درک دلیل آن را نداشته باشد، به خود این اجازه را نمی دهد بر پروردگارش خرده بگیرد یا اعتراضی نسبت به آن داشته باشد.

۱/۱/۳) اراده خدا بر طهارت تکوینی اهل بیت

اراده خداوند برای پاک قرار دادن افراد به دو گونه است :

- ۱- اراده تشریحی : خداوند اراده داشته تا همه آدمیان پاک باشند لذا قوانینی تشریح کرده و پیامبرانی فرستاده تا راه رسیدن به طهارت و تقوی را به ایشان بنمایاند.
- ۲- اراده تکوینی : اراده خداوند بر اینکه عده ای خاص را به واقع پاک و کامل قرار دهد نه فقط طریق پاکی را به ایشان بنماید.

به عقیده ما خواست خداوند بر طهارت اهل بیت از نوع دوم است و نوع اول همگانی بوده و فضیلتی برای کسی نیست.

• چند نکته :

- طهارت و حقانیت اهل بیت ، یک عادت رفتاری یا اخلاق انسانی در زندگی دنیا نیست ؛ بل مقامی رفیع نزد خدا و حقیقتی در عالم تکوین است ، که خود به خود ولایت و علم الهی را به همراه می آورد.
- رسول خدا و اهل بیتش از همان ابتدای خلقت معصوم و طاهر بوده اند ؛ نه اینکه با رسیدن به امامت و رسالت آن را کسب نموده باشند. اراده پروردگار بر پاکی ایشان پیش از خلقت بوده و شرط لازم برای مقام ولایت ، عصمت کامل از بدو تولد است.

(۱/۲) ملاک حق

ایشان بی خطا و همیشه همراه حق و درستی می باشند . هیچ نقصی در ایشان یافت نمی شود و هیچ باطلی با ایشان جمع نمی گردد. بنابراین ایشان ملاک تشخیص حق از باطل می باشند.

• برون داد عینیت با حق

بیان شد اهل بیت عصمت نه تنها با حقند که خودشان عین حق می باشند و با این دقت نظر، هم ایشان با حق همراه اند و هم حق هر جا که ایشان باشند با آنها همراه می شود و از هم جدایی نخواهند داشت . بنابراین :

- ۱- امام را نباید با حق هایی که می شناسیم مورد سنجش قرار دهیم بلکه باید آنچه از حق و باطل در ذهن داریم با علم و عمل امام اصلاح نماییم و به فهم درستی از حق و باطل برسیم .
- ۲- اگر همه عالم جمع شوند و بر امری شهادت دهند و راهی را به صواب شمارند که خلاف سخن و مسیر اهل بیت باشد ، حق با کسی است که خداوند عصمت و درستی او را تأیید فرموده است.



• تذکر :

سخت ترین کار تشخیص دقیق و کامل حق از باطل است که جز با عنایت خدا و برای  
بندگان خاص او ممکن نیست . بنابراین :

نباید گمان کرد کشف حقیقت کاری در دسترس و نزدیک به عقول ماست .

نباید به تمییز خود فریفته شد ؛ گویی خدا ما را متکفل تعیین حق قرار داده !

(۱/۳) هر چیز غیر حق باطل است.

حق یگانه است . چند حق نداریم و مخلوطی از آن و غیر آن ، جز باطل نمی تواند بود .

حق مستقل از آنچه انسان ها می دانند یا اعتبار می کنند واقعیت دارد.

ائمه اطهار نمونه کامل حق و عین آنند و هیچ نقصی در آنها نیست.

بنابراین :

- هر کس با ایشان به معارضه برخیزد و خود را هم ردیف آنها نشان دهد در برابر حق قرار  
گرفته و جز باطل نیست.

- نمی شود افرادی را هر گونه که باشند ، هر چند بر خلاف دین خدا عمل کنند ، درستکار  
دانست و آنها را ملاک حقیقت قرار داد.

- هر که از اهل بیت دور باشد و از مسیر ایشان جدا شود، ناحق و گمراه است . و هر که خود را  
با آنها هماهنگ کند ، درستی را مشایعت نموده .

• نکته :

باطل را ثباتی نیست و مایه ای ندارد تا فارق میان خود و حق باشد. این حق است که با نور

خود از تاریکی متمایز می شود .

کسی که حق را نشناسد و یا از فطرت حق جوی خود فاصله گرفته باشد نوری ندارد تا به

آن باطل را تشخیص دهد . نمی شود با ذهنیت باطل حق را فهمید و باطل را از آن جدا کرد.

#### ۱/۴) درجات عصمت

عصمت با آن تفصیلی که در ابتدا بیان شد تنها مخصوص چهارده معصوم از خاندان رسول مکرّم اسلام است و هیچ کس دیگری در این وصف با ایشان شریک نمی باشد.

• چند نکته :

۱. طهارت هیچ یک از انبیاء و رسولان ، تا بدین پایه ، ضروری شناخته نمی شود و غیر مواردی که برای مقام نبوت الزامی است در موارد دیگر مثل ترک اولی ایرادی را متوجه ایشان نمی کند .
۲. عصمتی که برای افراد دیگر از خاندان ائمه یا برترین یاران ایشان عنوان شده ، درجات پایین تر از طهارت رسولان و چهارده معصوم را شامل می شود .

#### ۱/۵) احتمال خطا در امام نیست

به عقیده ما عصمت به این معنا است که حتی احتمال خطا و گناه نیز در مورد امامان داده نشود نه اینکه فقط آنها را اهل خطا و گناه ندانیم . همین که در شخصی احتمال خطا تصور شود دیگر از مقام عصمت خارج است و قول و فعل او در حق ما حجت نخواهد بود.

بنابراین :

- ۱- اهل بیت عصمت از ابتدای حیات بدون خطا و گناه بوده اند .
- ۲- تصور اینکه گناهی از ایشان سرزده باشد و بعد توبه کرده و از گناه محفوظ مانده اند درست نخواهد بود.

#### پایان قسمت اول

به توفیق الهی ادامه خواهد داشت ....







[www.mykarbala.ir](http://www.mykarbala.ir)

معارف اصیل شیعه را در فضای مجازی به اشتراک بگذارید